

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صفحات ۲۵-۴۸

پایش تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی مناطق مرزی؛ چالش‌ها و ظرفیت‌ها در کارکرد جامعه روستایی شهرستان مرزی بانه

رضا خیرالدین و مهدی رازپور*

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۴

چکیده

امروزه، با توجه به رونق تجارت بین‌الملل، مناطق مرزی در قالب فرصت‌های توسعه منطقه‌ای دارای عملکرد ملی در بارانداز کالاهای وارداتی و صادراتی است. این نقش در ادوار مختلف از عوامل و کنش‌های ملی و بین‌المللی تأثیر پذیرفته است. مقاله حاضر به بررسی و شناسایی پیامدهای مختلف تصمیمات کنشگران در زمینه توسعه منطقه‌ای و تأثیر آنها بر تحولات برآمده از وجود اقتصاد غیررسمی در منطقه مرزی بانه می‌پردازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفت؛ همچنین، مستندات و داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی گردآوری شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ناامنی دوره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بازگشت امنیت پس از جنگ، اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، انسداد نوار مرزی در سال ۱۳۸۸ و قاچاق کالا عوامل و کنش‌های تأثیرگذار در ناپایداری و تغییر کارکرد جامعه روستایی شهرستان مرزی بانه بودند. در پایان، پیشنهادهایی از جمله برنامه‌ریزی راهبردی توسعه منطقه‌ای در راستای ایجاد توسعه پایدار در شهرستان بانه ارائه شد.

* به ترتیب، استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران؛ نویسنده مسئول و دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران (mehdi_razpour@arch.iust.ac.ir).

کلیدواژه‌ها: تحولات فضایی، سکونتگاه‌های روستایی، مناطق مرزی، عوامل و کنش‌های توسعه منطقه‌ای، بانه (شهرستان).

مقدمه

از آنجا که مناطق مرزی، در مجاورت با محیط‌های گوناگون اعم از داخلی و خارجی، دارای ویژگی‌هایی خاص است، با توجه به مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرزها و آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات مختلف در مناطق مرزی، جایگاه این مناطق در فرایند برنامه‌ریزی توسعه، امنیت و آمایش کشور اهمیت ویژه یافته است (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱). مناطق مرزی و سکونتگاه‌های مستقر در این مناطق که زمانی به دلیل محدودیت‌های ارتباطی، در انزوای جغرافیایی به سر می‌بردند و به دلیل دوری از مرکز، در پایین‌ترین رده‌بندی توسعه قرار داشتند، در هزاره جدید و آغاز عصر اطلاعات و ارتباطات، به شاه‌راه‌ها، ورودی‌ها و گره‌های توسعه تبدیل شده و مفاهیمی جدید مانند «شهر - منطقه» را شکل داده‌اند (رهنما، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

اما در کنار این فرصت‌ها، چالش‌هایی نیز وجود دارد که از آن جمله‌اند: فقیرتر و غیرمولد شدن مناطق مرزی، رواج اقتصاد غیرقانونی، قرارگیری در موقعیت‌های بن‌بست و منزوی، کاهش پیوستگی فضایی و مدیریتی با مرکز، نزدیکی و همبستگی فرهنگی مناطق مرزی به مناطق مجاور در کشورهای همسایه، افزایش قدرت نفوذ نظام‌های خارجی بر منطقه، و کاهش قدرت کنترل مرکز در این مناطق (رازپور، ۱۳۹۲: ۷).

شهرستان مرزی بانه در استان کردستان ایران و در همسایگی با ایالت سلیمانیه عراق، بنا به موقعیت اقتصادی وابسته به مرز، دارای عملکردی با مقیاس ملی در بخش بارانداز کالاهای وارداتی است. نقش جدید منطقه‌ای این شهرستان، با توجه به فراوانی کالای مصرفی، بهداشتی، الکترونیکی و لوکس وارداتی از یک سو و مراجعه گردشگران سراسر کشور برای خرید از سوی دیگر، سبب شده است که حجم عظیم مبادلات کالایی زمینه‌های

توسعه منطقه‌ای را فراهم آورد، به گونه‌ای که تنها در چهار ماه نخست سال ۱۳۸۸، تعداد ۱۴۳۸۵۰۰ گردشگر تجاری از شهر بانه دیدن کرده‌اند. مطالعه شرایط کنونی اقتصادی منطقه مرزی بانه نشان می‌دهد که معیشت مردم این شهرستان به شدت به روندهایی وابسته شده که اساس آنها بر اصولی ناپایدار بنا شده است. اقتصاد غیررسمی مرزی و به تعبیری روشن‌تر، قاچاق کالا در مرزهای این منطقه بسیاری از مردم جامعه روستایی شهرستان را به خود وابسته ساخته است، چنان‌که تعداد زیادی از شاغلان این شهرستان در بخش‌هایی همچون حمل و نقل غیررسمی کالای قاچاق از سلیمانیه عراق به مراکز دپوی سر مرز و سپس، به مرکز شهرستان و نیز دپوی کالای قاچاق در برخی روستاهای مرزی فعالیت می‌کنند (زمانی که نیروهای انتظامی در منطقه حضور داشته باشند، کالاهای قاچاق چندین روز تا برقراری شرایط مناسب در روستاهای نزدیک مرز انبار می‌شود)؛ همچنین، از دیگر مشاغل وابسته به اقتصاد غیررسمی موجود عبارت‌اند از خرید و فروش کالای قاچاق در داخل پاساژهای متعدد شهر و نیز خدمات‌رسانی به گردشگران در بخش‌هایی همچون مهمان‌پذیرها، غذاخوری‌ها، و اسکان گردشگران در خانه‌های شخصی (رازپور، ۱۳۹۲: ۵۶).

جنگ، ناامنی، تحولات بین‌المللی و تصمیم‌گیری‌های مقطعی از مهم‌ترین کنش‌ها و عوامل تأثیرگذار بر تحولات شهرستان بانه به‌شمار می‌روند. البته بر اثر عملکرد کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی، تمامی این مشاغل ناپایدار شده‌اند، چرا که در نتیجه عملکرد تنها یک کنشگر - برای نمونه، واقعی شدن نرخ ارز^(۱) و یا تصمیم مسئولان مرکزی یا محلی مبنی بر انسداد نواحی مرزی و مقابله با قاچاق کالا - ممکن است همه معادلات موجود بر هم بریزد و بنای همه فرایندهایی که وابسته به اقتصاد غیررسمی و غیرقانونی مرزی است، بر آب شود. این کنشگرها، در مقاطع گوناگون، بر شاخص‌های توسعه در شهرستان بانه نظیر رونق روستاهای مرزی، افزایش جمعیت روستاهای مرزی، و بالا رفتن رفاه مرزنشینان تأثیرگذار بوده‌اند، به گونه‌ای که مثلاً با تغییر کنشگرها، به‌ویژه جمعیت روستایی شهرستان بانه در

دوره‌های مختلف به صورت رفت و برگشتی بین نقاط مرزی و سایر سکونتگاه‌های منطقه دست به مهاجرت موقت زده است (رازپور، ۱۳۹۲: ۸۴-۸۷).

در ارتباط با پیامدهای اقتصادی مرز و توسعه مناطق مرزی مطالعاتی صورت گرفته که در هیچ‌کدام از آنها عوامل و کنش‌های اصلی مؤثر بر توسعه این مناطق و پیامدهای فضایی آن تحلیل و ارزیابی نشده است.

زرقانی و همکاران (۱۳۹۱)، با تحلیل بازتاب‌های سیاسی- فضایی بازارچه‌های مرزی، نشان دادند که رونق فعالیت‌های اقتصاد رسمی در مرز میوان باعث ایجاد تحولات فضایی مثبت در سطح شهر و منطقه میوان شده که از آن جمله است: بهبود شبکه حمل و نقل، ساخت مراکز تجاری، احیای بافت فرسوده و از همه مهم‌تر، ایجاد اشتغال و کاهش قاچاق؛ همچنین، بررسی‌های این پژوهش در قبل و بعد از احداث بازارچه مرزی میوان نشان می‌دهد که گسترش و تعمیق روابط اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی دو استان همجوار کردستان ایران و عراق از آثار مثبت فعالیت بازارچه است (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰). عاشری و همکاران (۱۳۹۱)، در ارزیابی اثرات اقتصادی- اجتماعی و امنیتی احداث بازارچه‌های مرزی و آثار آن در توسعه مناطق مرزی، اشاره می‌کنند که فعالیت اقتصادی مرزی به ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم، افزایش درآمد مرزنشینان، کاهش مهاجرت منفی در شهر جوانرود، گسترش حوزه تأثیر و جذب کالاهای مبادله‌شده به سطوح فرامنطقه‌ای و از همه مهم‌تر، ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی و افزایش سرمایه‌گذاری انجامیده است؛ همچنین، «یکی از دلایل ایجاد بازارچه‌های مرزی افزایش ضریب اطمینان و امنیت در مناطق مرزی از طریق توسعه تجارت و بالتبع، توسعه این مناطق است. بازارچه‌ها توانسته‌اند امنیت نسبی را از لحاظ اقتصادی در منطقه ایجاد کنند و تا حد زیادی سرمایه‌گذاری اقتصادی در منطقه را نسبت به قبل بهبود دهند؛ به همین دلیل، تا حدی باعث افزایش شاخص‌های امنیت اجتماعی در منطقه شده است». فال سلیمان و حجی‌پور (۱۳۹۱)، در تحلیل چالش‌های اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی شهرستان‌های مرزی در راستای چشم انداز ۱۴۰۴، با تأکید بر امنیت نشان دادند که در شهرستان نهندان در خراسان جنوبی، تراکم جمعیتی مناطق روستایی بیش از مراکز شهری است، اما بررسی این توزیع فضایی - مکانی در دوره‌های مختلف زمانی، مؤید واگرایی روستاییان به سوی شهرهاست که از جمله عوامل مؤثر در این زمینه وضعیت نامطلوب خدمات بهداشتی و درمانی و رسیدن به موقعیت بحران ناامنی، سطح درآمد پایین خانوارهای روستایی به دلایلی همچون بهره‌وری پایین فعالیت‌های اقتصاد روستایی، غلبه نظام خرده‌مالکی، درصد پایین تولید و مکانیزاسیون و سرمایه کم آنهاست؛ همچنین، چالش روستاگریزی و واگرایی روستاییان در چرخه تأثیر متقابل امنیت در کل و امنیت اقتصادی است.

سطح موفقیت و توسعه‌یافتگی مناطق مرزی در مقایسه با مناطق مرکزی کمتر است و همین مسئله بر اقتصاد آنها تأثیر منفی می‌گذارد و در نتیجه، غالباً جذابیت شهرها و روستاهای مناطق مرزی اندک است (Buursink, 2001: 7). همچنین، قرارگیری در موقعیت مرزی، علی‌رغم مشکلات یادشده، برای سکونتگاه‌های مرزی ظرفیت و فرصت‌هایی خاص را هم ایجاد می‌کند که می‌تواند منشأ تحولات توسعه‌ای آنها باشد.

با روند جهانی شدن، تفکرات جغرافیای راهبردی به سوی باورهای جغرافیای اقتصادی مرزها معطوف شده است، به گونه‌ای که تحول در کارکردهای مرز و نگرش بدان به مثابه یک فرصت اقتصادی از سوی نظام‌های سیاسی حاکم موجب افزایش جمعیت در مناطق مرزی شده و شرایطی جدید را رقم زده است؛ این شرایط جدید مرکز را وادار به تجدید نظر در روابط خود با پیرامون کرده است (Pena, 2005: 286-290)؛ و از این رو، توسعه اجتماعی - اقتصادی این مناطق به صورت‌های مختلف، بر حسب تصمیمات و فعالیت‌های سیاسی تصمیم‌گیران و تحولات کشورهای همسایه، موجب تغییرات فضایی در ساختار شهرها و روستاهای واقع در آن شده است.

مروری بر ادبیات نظری و کاربردی در زمینه توسعه سکونتگاه‌های مرزی نشان می‌دهد که توسعه این مناطق در قالب سه رویکرد اساسی بررسی و تحلیل شده است، که عبارت‌اند از: «رویکرد سنتی مکان»، «رویکرد همکاری‌های بین‌مرزی»، و «رویکرد مردمی»^(۲).

در رویکرد اول، می‌توان به نظریه‌های کریستالر، لوش، گیرش، فرانسوا پرو و جان فریدمن اشاره کرد. در نظریه کریستالر، سکونتگاه‌های مرزی به لحاظ اقتصادی ضعیف و شکننده خواهند بود، و البته رشد و رونق فعالیت‌های تجاری در مرزها تأثیراتی مثبت در توسعه این سکونتگاه‌ها خواهد داشت (Hansen, 1975: 826). لوش، با بررسی اقتصاد فضایی مناطق مرزی، معتقد است که مرزهای ملی سبب ایجاد خلاء فاصله در شبکه اقتصادی و بازار می‌شود و به عقب‌ماندگی و رکود شهرهای مناطق مرزی می‌انجامد (Van Houtum, 1999: 113). در مدل گیرش، مرزهای ملی سدی در برابر تجارت‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند؛ از این رو، تنها حذف عامل مرز در راستای یکسان‌سازی اقتصادی سبب گرایش به فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی می‌شود (Giersch, 1949: 91). برخی با تحلیل نظریه قطب رشد در مورد مناطق مرزی بر این باورند که مرز سیاسی به کنترل تأثیرات گسترش قطب‌های رشد در مناطق پیرامونی می‌انجامد؛ همچنین، تنها راه توسعه سکونتگاه‌های مرزی نظام اقتصاد فرامنطقه‌ای و راه حل توسعه این سکونتگاه‌ها نیز شکل‌گیری قطب‌های یکپارچه و همکاری‌های بین‌مرزی است (Hansen, 1975: 821-823). نظریه مرکز-پیرامون نیز مرزهای بین‌المللی کشورها را از موانع پیشرفت مناطق مرزی می‌داند (Copus, 2001: 548)؛ و به باور بسیاری از صاحب‌نظران آن، فرایند یکپارچگی اقتصادی و همکاری‌های بین‌مرزی به تغییر نظم اقتصادی و توسعه فضایی مناطق مرزی و پیرامونی خواهد انجامید و همچنین، بر رونق و جمعیت‌پذیری و اهمیت راهبردی سکونتگاه‌های روستایی مرزی خواهد افزود (Vander and Boot, 1995: 64-65). از این روست که قرارگیری در نواحی مرزی، علی‌رغم محدودیت‌های مختلف، فرصت‌هایی را برای این سکونتگاه‌ها به صورت بالقوه فراهم می‌کند

که با تنظیم سیاست‌های کلان توسعه‌ای در توسعه منطقه‌ای، توان‌های سکونتگاه‌های مرزی بالفعل می‌شوند.

دومین رویکرد اساسی در دهه نود میلادی با اشاره به نظریه جهانی شدن و اتحاد بین مناطق یادآور می‌شود که مناطق مرزی بین دو کشور به‌طور بالقوه در زمینه‌های مختلف نظیر ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخ، گروه‌های قومی و فرصت‌های اقتصادی با یکدیگر شباهت دارند و تنها مسائل حکومتی و قلمرو سیاسی دو کشور دو طرف مرز را از هم جدا ساخته است (Perkmann, 2003: 167). از دیدگاه طرفداران این رویکرد، یکسان‌سازی و همکاری‌های بین مرزی به‌صورت تعامل سازمان‌یافته میان دو کشور برای توسعه این مناطق ضروری است و پراکندگی مناطق مرزی دیگر قابل قبول نیست و مرزها می‌توانند در اثر توافق‌ها از بین بروند (Niebuhe and Stiller, 2003: 2-3). این رویکرد در مناطقی با کشورهای باثبات مثل اروپای غربی باعث یکپارچگی آنها و تشکیل منطقه شینگن شده است. اما رویکرد یکپارچه‌سازی مرزها در مناطقی با مشخصات کشورهای خاورمیانه بسیار پرمسئله و بحث‌انگیز است.

رویکرد سوم به مرزها مبتنی بر ویژگی‌های فرهنگی و قومی سکونتگاه‌های مرزی است. در این رویکرد، مرزهای سیاسی عامل جدایی نیستند، بلکه این مشخصات و ملیت‌های گوناگون است که موجب جدایی مناطق می‌شود (Rumley and Minghi, 1991: 35-47). از این‌روست که ساکنان سکونتگاه‌های روستایی مناطق مرزی به‌راحتی در دو طرف مرز حتی در شرایط کنترل‌های شدید انتظامی نیز به‌دلیل ویژگی‌ها و مشابهت‌های فرهنگی و قومی تردد می‌کنند و مرزهای سیاسی نمی‌تواند کاملاً مؤثر و محدودکننده باشد.

بر اساس مبانی نظری، می‌توان گفت که تحولات توسعه‌ای منطقه مورد مطالعه، به‌دلیل حاشیه‌ای بودن و دوری از مرکز و نیز عملکرد محدودکننده خطوط مرزی، از هم‌افزایی رشد و توسعه بر اساس رویکرد اول عقب مانده است. همچنین، ارتباطات غیرقابل اغماض و در عین حال چشمگیر در فعالیت ساکنان روستاهای مناطق مرزی با فراسوی مرزها در زمینه

مبادلات غیررسمی و حمل کالا وجود دارد که ناظر بر همکاری‌های بین‌مرزی و فرامرزی است؛ اما یک نظام مشخص برای سامان‌دهی و هدایت این جریان فضایی - جمعیتی در دو طرف مرز وجود ندارد. این وضعیت به‌خودی خود دارای فرصت‌ها و تهدیداتی برای دو طرف مرز است. علی‌رغم وجود مرزهای سیاسی و کنترل‌های انتظامی در منطقه، ساکنان نواحی روستایی به‌دلیل مشابهت‌های فرهنگی و قومی با مرزنشینان آن‌سوی مرز، به‌راحتی از مسیرهای غیررسمی تردد کرده، به مبادله کالا می‌پردازند. یکپارچگی‌های قومی و مردمی در سکونتگاه‌های مرزی فرصتی برای تسهیل مبادلات و همکاری‌های فرامرزی است که مستلزم سیاست‌های دقیق در نحوه همکاری‌های فرامرزی با حفظ تمامیت ارضی کشور خواهد بود. با این توضیحات، روشن می‌شود که شهرستان بانه منطقه‌ای مرزی با ویژگی‌هایی خاص است که می‌تواند ضمن وجود محدودیت‌های مرزی، با استفاده از ظرفیت‌های موجود در همکاری‌های فرامرزی و سیاست‌های مربوط بدان، از عقب‌ماندگی و انزوا دوری گزیند. پژوهش حاضر به‌دنبال روشن کردن پیامدهای مختلف تصمیمات کنشگران ملی - منطقه‌ای برای توسعه منطقه‌ای و تأثیر آنها بر تحولاتی است که بر اثر وجود اقتصاد غیررسمی در منطقه مرزی بانه پدید آمده‌اند. بدین منظور، نخست، باید تحولاتی همچون جابه‌جایی‌های جمعیت شهری و روستایی برای دستیابی به منابع درآمد و تغییر نسبت‌های شغلی در بخش‌های اقتصادی و سپس، عوامل و کنشگران اصلی تشدید این تحولات شناسایی شوند تا مشخص شود که چه عواملی ممکن است بر آینده توسعه سکونتگاه‌های روستایی شهرستان بانه تأثیرگذار باشند.

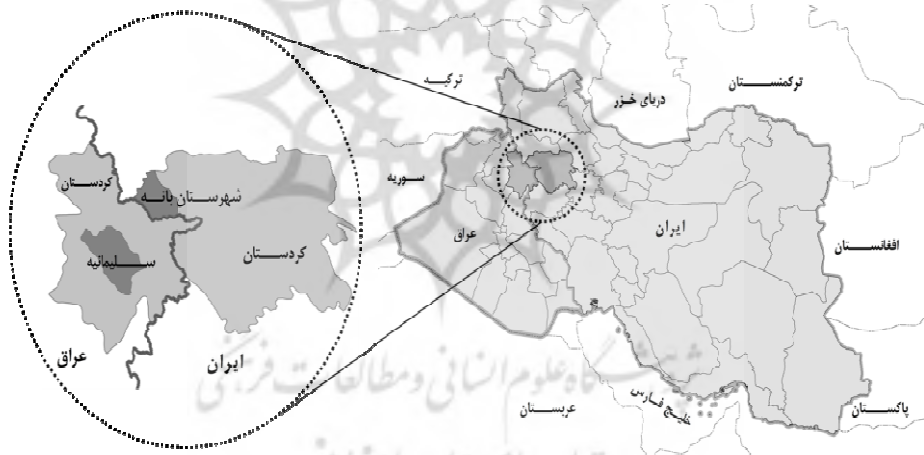
روش تحقیق

مقاله حاضر، با مرور دیدگاه‌های نوین توسعه مناطق مرزی نظیر تجدید نظر در روابط مرکز نسبت به پیرامون و نیز رویکردهای موجود در تحلیل ویژگی‌های سکونتگاه‌های مناطق

مرزی، در بخش مبانی نظری، به تحلیل چالش‌ها و ظرفیت‌ها در کارکرد جامعه روستایی شهرستان بانه متأثر از کنش‌های ملی - منطقه‌ای می‌پردازد و مبنای فکری و جهت‌گیری اصلی آن راهبرد تحلیل منطقی است. شناخت، ارزیابی و تحلیل پیامدهای فضایی گرایش‌ها و تحولات چشمگیر اخیر در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان بانه به روش توصیفی و تحلیلی انجام می‌شود. گردآوری مستندات و داده‌های مورد نیاز برای پژوهش طی سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مراجعه به سازمان‌های اداری ذی‌ربط همچون استانداری، فرماندهی انتظامی و نیز فرماندهی مرزبانی استان کردستان، پیمایش میدانی، مصاحبه رو در رو، پرسشنامه و تصویربرداری در قالب ابزارها و راهکارهای عملیاتی تحقیق انجام شده است. برای بررسی نقش کنش‌گران ملی - منطقه‌ای به‌مثابه عوامل تحول فضایی منطقه، ضرورت داشت تا جابه‌جایی جمعیت شهرستان بانه در دوره‌های مختلف پایش و بررسی شود. بدین منظور، روستاهای این شهرستان در دسته‌هایی بر حسب فواصل مختلف از نوار صفر مرزی تقسیم‌بندی شدند. روستاهای دسته اول، شامل روستاهای چسبیده به مرز، در فاصله حداکثر پنج کیلومتر از نوار مرزی قرار گرفته‌اند؛ روستاهای دسته دوم شامل مجموعه روستاهایی است که در فاصله پنج تا ده کیلومتری از مرز قرار دارند؛ و به همین ترتیب، کل روستاها در پنج دسته جای گرفته‌اند. جمعیت تمامی روستاهای شهرستان بانه در دوره‌های مختلف به موقعیت مکانی آنها در سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) ربط داده شد. تغییرات فضایی جمعیت در سکونتگاه‌های روستایی منطقه با محاسبه نرخ رشد جمعیتی تک تک روستاها و نیز مقایسه مجموع جمعیت در دسته‌های پنج‌گانه در دوره‌های مختلف پایش شد. جریان‌های جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی چه به صورت مکانی و چه به صورت رومی در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی قابل احصا بوده، با نقشه‌های تحلیلی کارتوگرافیک ارائه می‌شود.

نتایج و بحث

بررسی و تحلیل عوامل تحولات جمعیتی و فضایی در سکونتگاه‌های منطقه مرزی بانه
 شهرستان بانه در استان کردستان ایران دارای ویژگی‌هایی خاص است که آن را از دیگر نواحی کشور متمایز می‌سازد. تحولات جمعیتی این شهرستان، به دلیل بروز ناامنی‌های غرب کشور در جنگ ایران و عراق و نیز درگیری‌های حزبی با نظام، با دیگر تحولات زمان مشابه در کل کشور متفاوت به نظر می‌رسد. مرکز شهرستان بانه در فاصله حدود ۱۷۰ کیلومتری از سلیمانیه، مرکز کردستان عراق، قرار گرفته است؛ این موقعیت یک ویژگی خاص را برای تبادل کالا بین دو کشور ایجاد می‌کند (نقشه ۱).



مأخذ: یافته‌های پژوهش

نقشه ۱- موقعیت شهرستان بانه در همسایگی کشور عراق

وجود نابرابری‌های فضایی در زمینه برخورداری از امکانات اقتصادی، رفاهی و زیربنایی همواره از مهم‌ترین عوامل حرکات جمعیتی در ایران بوده است. این نابرابری‌ها باعث جابه‌جایی

نیروی کار و سرمایه می‌شود. شهرستان بانه نیز در قالب بخشی از تقسیمات اداری - سیاسی کشور از این قاعده کلی مستثنا نیست. افزون بر موارد یادشده، بروز ناامنی ناشی از جنگ در شهرستان بانه اثرات منفی ناپایداری و عدم تعادل جمعیتی را در منطقه تقویت کرده است. در ادامه، تغییر و تحولات فضایی جمعیت در سطح شهرستان بانه و جابه‌جایی‌های اجباری جمعیت بین سکونتگاه‌های شهری و روستایی در دوره‌های زمانی خاص در اثر عوامل تصمیم‌ساز منطقه‌ای تحلیل و ارزیابی می‌شود.

ناامنی؛ عامل پراکنش جمعیت در دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷

شهر بانه تا سال ۱۳۵۵ تنها شهر در شهرستان بانه بوده است، به گونه‌ای که حدود هفتاد درصد از جمعیت ساکن در شهرستان روستایی بوده‌اند. با وجود غلبه جمعیت روستایی بر جمعیت شهری، هیچ‌گونه حرکت جمعیتی گسترده وجود نداشت که از یک سو، از ثبات سیاسی - اقتصادی منطقه و از سوی دیگر، از عدم دگرگونی در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی جامعه ناشی می‌شد. پراکنش جمعیت در سطح شهرستان بانه طی دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ دچار تحول شد. از سویی، تغییر نظام سیاسی کشور بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و ناامنی سیاسی ناشی از آن - که در قالب جنبش جدایی طلب حزب دمکرات کردستان ایران رخ داد - و از دیگر سو، جنگ ایران و عراق باعث شد تا جابه‌جایی جمعیتی گسترده در سطح شهرستان روی دهد، چنان‌که در پی جنگ و ناامنی نقاط شهری، جمعیت از شهرها به سوی روستاهای پیرامونی و شهرهای امن‌تر سایر شهرستان‌ها و حتی استان‌های مجاور روانه شد. این حرکت جمعیتی به اندازه‌ای گسترده بوده که شهر بانه طی دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، تنها ۰/۸۵ درصد رشد جمعیتی را تجربه کرد. در مقابل، جمعیت نقاط روستایی با نرخ برابر با ۴/۴۱ درصد از ۳۵ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به بیش از ۵۴ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسید؛ در همین دهه، حدود ۷۶ درصد کل جمعیت شهرستان بانه ساکن نقاط روستایی بوده‌اند. وضعیت مهاجرتی نقاط روستایی شهرستان بر پایه نرخ رشد در دهه

۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ حاکی از آن است که بر اثر حرکت جمعیت، حدود شصت درصد از آبادی‌ها نرخ رشدی بالاتر از ۳/۵ درصد داشته‌اند (مجموع جمعیت همه روستاهای موجود در دسته‌های روستایی مد نظر در پژوهش حاضر رشد مثبت داشته است) (جدول ۱).

جدول ۱- جمعیت دسته‌های روستایی شهرستان بانه بر حسب فواصل مختلف از نوار مرزی

جمعیت دسته‌های روستایی با فواصل مشخص از مرز در دوره‌های مختلف						فاصله از نوار مرزی
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۸۲	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	
۸۴۶۰	۹۶۸۵	۶۸۰۲	۸۳۹۳	۸۶۵۶	۶۲۶۱	۰-۵
۶۰۳۷	۶۹۵۰	۶۷۱۵	۷۹۹۸	۷۹۲۶	۵۶۵۳	۵-۱۰
۷۳۲۷	۷۹۹۸	۸۱۴۱	۸۹۰۶	۹۴۱۳	۶۴۶۲	۱۰-۱۵
۶۲۵۱	۴۸۰۷	۶۵۴۷	۷۱۲۸	۸۲۷۹	۴۲۷۳	۱۵-۲۰
۱۳۴۳۲	۱۳۷۲۴	۱۳۸۵۱	۱۴۰۷۳	۱۵۹۱۱	۹۴۵۴	۲۰-۲۵

فاصله دسته‌های روستایی از مرز



خانه‌های تیره نشان‌دهنده افزایش جمعیت دسته روستایی نسبت به دوره گذشته است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

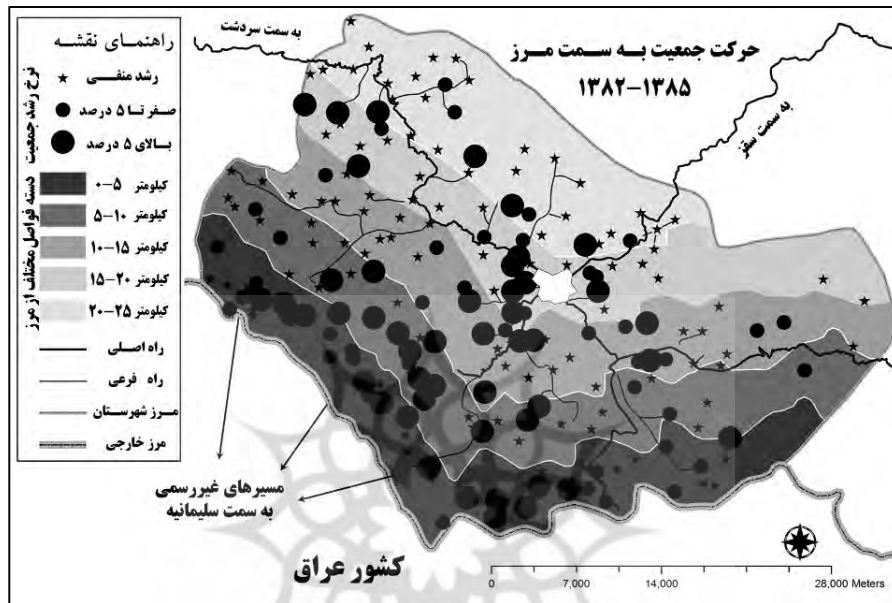
بازگشت امنیت؛ عامل روند معکوس جریان جمعیت در دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲

پس از پایان جنگ ایران و عراق و نیز فروکش کردن درگیری‌های داخلی در شهرستان بانه، امنیت به شهرستان بازگشت و روند توزیع جمعیت در سطح شهرستان، که پیش‌تر در اثر حرکت جمعیتی گسترده از شهر به روستاهای پیرامون شکل گرفته بود، با همان سرعت و شدت در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ حالت معکوس به خود گرفت و از روستاها به سمت شهر آغاز شد، به گونه‌ای که این بار از کل جمعیت ۱۰۵ هزار نفری شهرستان، تنها پنجاه هزار نفر (معادل ۴۸ درصد جمعیت شهرستان) ساکن روستاها بودند. در این دوره، جمعیت روستایی نرخ رشد منفی ۰/۸ را برای نخستین بار تجربه می‌کند.

تا سال ۱۳۸۲، روند مهاجرت روستا به شهر ادامه داشته که نشانه وجود و ثبات امنیت در منطقه مرزی بانه است. بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی در مناطق مرزی روند رشد و

توسعه در سکونتگاه‌های شهری و روستایی را مختل و امکان تنظیم چشم‌انداز و روندی برای توسعه فعالیت‌ها در جامعه را دشوار و حتی غیرممکن می‌کند. نیل به شرایط باثبات و افزایش مداوم جمعیت در سکونتگاه‌های شهری و روستایی شهرستان مرزی بانه می‌تواند فرصتی برای تمرکز فعالیت‌های اقتصادی برتر در شهر و فعالیت‌های مکمل مختلف در روستاهای منطقه در ارتباطات ملی و فراملی باشد.

اشغال عراق در ۲۰۰۳؛ جرقه رونق در زندگی مرزنیسان و رشد جمعیت روستاهای مرزی
با حمله دوم آمریکا و متحدانش به کشور عراق در سال ۱۳۸۲ و برهم ریختن امنیت و حاکمیت عراق در اثر اشغال نظامی و جنگ، وضعیت دسترسی به سوخت در خاک عراق بحرانی شد. یکی از بهترین راه‌های تأمین سوخت عراق در آن شرایط اشغال نظامی این کشور قاچاق سوخت از ایران و منطقه مرزی بانه از اصلی‌ترین درگاه‌هایی بود که در سال ۱۳۸۲، تبدیل به بارانداز سوخت قاچاق از ایران به عراق شد. از این سال به بعد، با رونق قاچاق سوخت از داخل کشور به عراق، روندی جدید در مناسبات شهرستان بانه پدید آمد. سوخت قاچاق شامل بنزین و گازوئیل توسط ماشین‌های تویوتای لندکروزر 3F و در گالن‌های بیست لیتری به مرزهای شهرستان بانه انتقال می‌یافت و از آنجا روانه عراق می‌شد. با این روند، فرصتی مناسب برای مردم بیکار منطقه بانه پدید آمد که طی آن، تعداد کثیری از مردم به دلیل نزدیکی روستاهای مرزی به مجراهای غیررسمی مرزی مبادله کالا، از جای جای منطقه روانه روستاهای مرزی تا شعاع ده کیلومتری مرز شدند، چنان‌که نرخ رشد جمعیتی بیشتر روستاهای مرزی، حد فاصل مرز تا مرکز شهرستان بانه، در دوره ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ مثبت است (نقشه ۲)؛ و از این رو، در سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵، روستاهای مرزی شهرستان بانه تا شعاع ده کیلومتری از مرز ایران و عراق رشد جمعیتی معنی‌دار را تجربه کردند (جدول ۱).



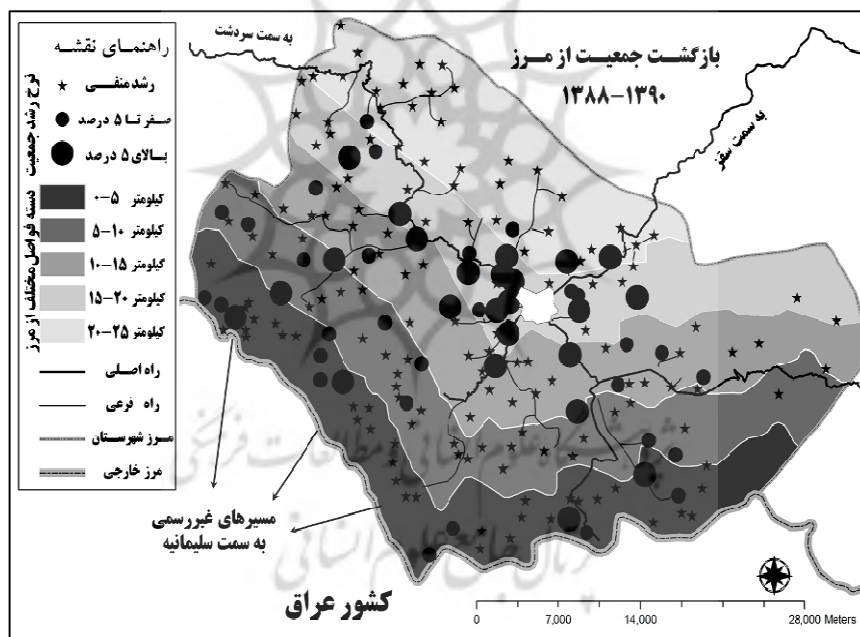
مأخذ: یافته‌های پژوهش

نقشه ۲- تغییرات نرخ رشد جمعیت روستایی شهرستان بانه در دوره ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵

به گفته مردم شهرستان بانه در مصاحبه‌های میدانی، مثل «جیت خالیه! پاشو برو مرزا!»^(۳) در این دوره میان مردم این شهرستان رواج یافته بود.^(۴)

انسداد نوار مرزی؛ عامل کاهش جمعیت روستاهای مرزی در دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ با ارتقای عملکرد شهرستان بانه در بارانداز کالاهای ارزان‌قیمت وارداتی تا سال ۱۳۸۸، مردم از سراسر کشور برای خرید لوازم مورد نیاز خود به بانه می‌آمدند. اما در سال ۱۳۸۸ در پی انسداد مرزهای بانه از سوی فرماندهی انتظامی استان کردستان^(۵)، فرایندی جدید در پراکنش فضایی جمعیت سکونتگاه‌های مرزی شهرستان بانه پدید آمد. جمعیت زیادی که از

سال ۱۳۸۲ رفته‌رفته به‌خاطر اقتصاد غیررسمی مرزی تا سال ۱۳۸۸ جذب روستاهای مرزی شده بودند، با انسداد نوار مرزی و حفر کانال‌های طویل برای جلوگیری از مبادله کالای قاچاق، تصمیم به ترک سکونتگاه‌های روستایی مرزی گرفتند. بررسی نرخ رشد جمعیتی روستاهای شهرستان بانه و پیامدهای فضایی انسداد مرز در دوره ۳۸۸ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که بیشتر روستاهای واقع در فاصله ده کیلومتری مرز در این دوره دارای نرخ رشد جمعیتی منفی بوده‌اند (نقشه ۳).



مأخذ: یافته‌های پژوهش

نقشه ۳- تغییرات نرخ رشد جمعیت شهرستان بانه؛ انسداد مرز و کاهش جمعیت روستایی در

دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰

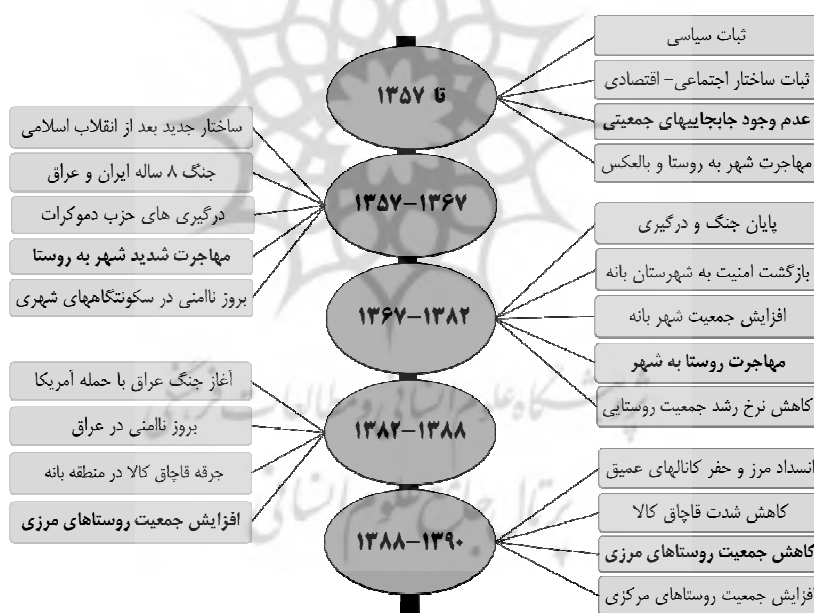
به دیگر سخن، جمعیت روستاهای واقع در دو دسته نزدیک به مرز کاهش و در مقابل، جمعیت روستاهای اطراف شهر بانه که در دسته چهارم قرار دارند، افزایش یافته است (جدول ۱). این روند نشان می‌دهد که به دنبال تصمیم فرماندهی انتظامی استان در زمینه انسداد مرز، به دلیل انزوای سکونتگاه‌های روستایی نوار مرزی (طبق رویکرد اول در مبانی نظری)، جمعیت از نوار مرزی به سمت روستاهای اطراف مرکز شهرستان یعنی، شهر بانه جابه‌جا شد. شایان یادآوری است که تحولات جمعیتی شهر بانه نیز همچون تغییرات جمعیت روستاهای شهرستان مرزی بانه، متأثر از عوامل و کنش‌های ملی - منطقه‌ای بوده است.

بنابراین، افزایش جمعیت روستاها، علاوه بر علل معمول، ممکن است پیامد عوامل و کنش‌هایی باشد که در دوره‌هایی بر منطقه تأثیرگذار است. در پژوهش حاضر، ناامنی در دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷، بازگشت امنیت در دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲، اشغال عراق در سال ۱۳۸۲، انسداد نوار مرزی از سوی فرماندهی انتظامی استان کردستان در سال ۱۳۸۸، و اقتصاد غیررسمی مرزی از کنش‌ها و عواملی در شهرستان مرزی بانه شناخته شده که سکونتگاه‌های روستایی شهرستان بانه را دستخوش تحول فضایی و جمعیتی چشمگیر ساخته‌اند و از این‌رو، حجم جمعیت روستایی و شهری منطقه بارها به‌طور رفت و برگشتی دچار تغییر شده است (نمودار ۳). این در حالی است که در مطالعه کلانتری و همکاران (۱۳۹۲: ۷)، عمده دلایل و عوامل تغییرات جمعیت روستایی را چهار عامل رشد طبیعی، مهاجرت‌های روستا-شهری، تبدیل نقاط روستایی به شهر، و گسترش محدوده شهرها و ادغام نواحی روستایی اطراف شهر معرفی شده است. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر از کنش‌ها و عواملی مغفول در پدیده مهاجرت پرده برمی‌دارد که توجه بدان می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روستاها به‌ویژه روستاهای مرزی باشد.

تحولات اقتصاد رسمی: رکود صنعت و کشاورزی، رونق ساخت‌وساز و خدمات

در اینجا، با توجه به فرصت‌های ناشی از افزایش جمعیت و ثبات نسبی جمعیتی در سکونتگاه‌های جمعیتی بانه، به بررسی تحولات اشتغال در بخش‌های اقتصادی می‌پردازیم.

آیا با توجه به تحولاتی که اخیراً در این منطقه بر اثر وجود اقتصاد غیررسمی پدید آمده، هنوز بخش‌های کشاورزی و صنعت در کنار بخش خدمات به قوت خود باقی است؟ در صورت تحول بخش‌های کشاورزی و صنعت، کدام بخش‌ها فعال شده‌اند؟ صنعت و کشاورزی، به‌مثابه ارکان اساسی توسعه اقتصادی در کلیه ابعاد و اشکال آن، در شهرستان بانه جایگاهی پایین و محدود دارند و بعد از اقتصاد خدماتی قرار می‌گیرند. جدول ۲ تحولات گروه‌های عمده فعالیت شهرستان بانه را در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد.



مأخذ: یافته‌های پژوهش

نمودار ۳- سیر تحولات سازمان فضایی و جمعیتی شهرستان بانه متأثر از کنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

جدول ۲- تحولات تعداد شاغلان در گروه‌های عمده شغلی شهرستان بانه طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

سال	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی	ساختمان	خدمات	کشاورزی	صنعت
۱۳۸۵	۶۶۰۵	۷۳۰۰	۱۰۴۷۲	۸۲۰۲	۱۹۹۰
۱۳۹۰	۸۴۲۵	۹۶۳۰	۱۱۹۰۹	۶۴۱۲	۱۷۶۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲

با گذشت تنها پنج سال، تحولاتی چشمگیر در شمار شاغلان بخش‌های عمده اقتصادی شهرستان بانه به وقوع پیوسته است. در این دوره، تعداد شاغلان بخش‌های صنعت و کشاورزی کاهش و شاغلان بخش‌های خدمات، ساختمان، و عمده‌فروشی و خرده‌فروشی افزایش یافته است. رونق‌های اخیر در شهرستان بانه بر اثر وجود اقتصاد غیررسمی و گردشگری باعث شده است که افراد در جست‌وجوی کار، بیشتر به سمت شغل‌هایی گرایش پیدا کنند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از اقتصاد غیررسمی است. گروه شغلی خرده‌فروشی و عمده‌فروشی در شهرستان بانه به داد و ستد کالاهایی می‌پردازد که از طریق قاچاق کالا از مرز عراق وارد شهرستان می‌شوند. درآمد افرادی که در این بخش مشغول به کار می‌شوند، به مراتب بالاتر از موقعیتی است که قبلاً در شغلی دیگر به دست آورده‌اند. همچنین، ظاهراً بخشی از سرمایه‌ای که طبق تحولات اخیر در سطح منطقه انباشت شده، به سمت ساخت‌وساز هدایت شده است. آمار نشان می‌دهد که در طول پنج سال، بیش از ۲۳۰۰ نفر بر شاغلان بخش ساخت‌وساز افزوده شده است (جدول ۲). این رقم برای یک منطقه که تعداد کل شاغلان بخش صنعت آن در سرشماری اخیر (۱۳۹۰) تنها ۱۷۶۸ نفر بوده، بسیار قابل ملاحظه است. جدول ۳ آمار واحدهای مسکونی معمولی بر حسب سال اتمام بنا را نشان می‌دهد. تعداد ساخت و اتمام بنای مسکونی به‌تنهایی در دوره پنج‌ساله ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۰ بیش از تمامی دوره‌های ده‌ساله پیشین بوده است.

جدول ۳- واحدهای مسکونی معمولی بر حسب سال اتمام بنا

سال اتمام بنا	۱۳۴۵-۵۴	۱۳۵۵-۶۴	۱۳۶۵-۷۴	۱۳۷۵-۸۴	۱۳۸۵-۹۰
تعداد واحدهای مسکونی	۱۴۵۶	۳۴۸۲	۵۵۳۰	۹۰۶۶	۱۱۳۸۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲.

از طرفی هم شاغلین بخش خدمات نیز که شامل افراد شاغل در گروه‌های شغلی نظیر هتلداری، مهمان‌داری، غذاخوری‌ها و رستوران‌ها، حمل و نقل و ارتباطات، ادارات و نهادهای عمومی و خدمات بخش گردشگری است، بیشترین نسبت را در بین دسته‌های عمده فعالیت به خود اختصاص داده است. تمامی این شواهد نشان از آن دارد که نیروی کار شهرستان بانه در سال‌های اخیر به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دنبال جذب در مشاغل هستند که وابسته به اقتصاد غیر رسمی و پیامدهای آن در منطقه نظیر هدایت سرمایه به بخش توریسم تجارت مرزی، ساخت و ساز پاساژهای تجاری چند طبقه، حمل و نقل غیر رسمی کالا از مرز به نقاط مختلف و ... هستند. به روشنی می‌توان دریافت که اقتصاد سنتی وابسته به کشاورزی و همچنین صنعت به سرعت جای خود را به اقتصادی می‌دهد که برآمده از پدیده جدیدی به نام اقتصاد غیر رسمی و توریسم تجارت مرزی در شهرستان مرزی بانه است.

مباحث فوق نشان می‌دهند که اقتصاد مرزی در شهرستان بانه منجر به تحولاتی شد که از جمله پیامدهای فضایی آن جابجایی‌های جمعیت روستایی، تغییر ساختار اقتصادی و تحول ساختار فضایی-کالبدی شهرستان است. تغییرات بافت مرکزی شهر بانه طی ۷ سال، نمونه‌ای از نمود فضایی این تحول را نشان می‌دهد. تصاویر ۱ و ۲ نشان‌دهنده تحولات ساختار کالبدی شهر بانه در نتیجه ساخت‌وسازهای تجاری به شکل پاساژ است.



تصویر ۲- عکس هوایی میدان جهاد، ۱۳۸۴



تصویر ۱- عکس هوایی میدان جهاد، ۱۳۹۰

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش‌هایی چون زرقانی و همکاران (۱۳۹۱)، عاشری و همکاران (۱۳۹۱)، کهنه‌پوشی و جلالیان (۱۳۹۲) و فال سلیمان و حجی‌پور (۱۳۹۱) با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارند و نشان می‌دهند که اقتصاد مرزی تحولاتی مثبت در سکونتگاه‌های شهری و روستایی مرزی پدید آورده و به گسترش حوزه تأثیر و جذب کالا به سطوح فرامنطقه‌ای، ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم، بهبود اقتصاد خانوارهای روستایی، افزایش درآمد مرزنشینان، کاهش مهاجرت منفی و ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی انجامیده است، با این تفاوت که به صورت راهبردی، نگرشی در تشخیص عوامل و کنش‌های مؤثر بر تغییرات و تحولات فضایی منطقه نداشته‌اند.

روند تحولات اقتصادی و کالبدی- فضایی شهرستان بانه، به دلیل تأثیرپذیری از عملکرد تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان و فرایندهای سیاسی ملی و بین‌المللی در قالب کنش‌ها و عوامل موجود و مؤثر در معادلات منطقه‌ای، در دوره‌ای با رونق و در دوره‌ای با رکود و توقف همراه بوده است. با توجه به ناپایداری این تحولات، شرایط آینده منطقه مرزی بانه قابل پیش‌بینی نیست. بنابراین، از یک‌سو، ممکن است پیامدهای عملکرد کنشگران به‌گونه‌ای باشد که در آینده، رشد فعالیت‌های اقتصادی سکونتگاه‌های شهری و روستایی به روند

کنونی خود ادامه دهد و نقش منطقه مرزی بانه به مثابه بارانداز کالاهای وارداتی در سطح ملی تقویت شود و پیامدهای آن نظیر انباشت سرمایه، تجارت کالاهای وارداتی، ساخت‌وساز، اشتغال و زندگی مردم مرزنشین بهبود یابد و از سوی دیگر، ممکن است به گونه‌ای باشد که برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای خارج از کنترل بین‌المللی به ایجاد گرایش‌هایی در منطقه بینجامد که شرایط کنونی به رکود متمایل شود، چنان‌که جمعیت روستاهای مرزی شهرستان بانه در دوره ۹۰-۱۳۸۸ بر اثر انسداد مرزی کاهش یافت.

اقتصاد غیررسمی و رونق و تکاپویی که در سال‌های اخیر در شهرستان مرزی بانه پدید آمده، نتیجه کنش‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و یا فرایندهایی غیرمترقبه است که گرایش‌های حاکم بر منطقه را پدید آورده‌اند. این کنشگران به صورت عوامل توسعه سکونتگاه‌های شهری و روستایی شهرستان مرزی بانه در آینده می‌توانند از امروز هم قابل پیش‌بینی باشند. بنابراین، شناخت عوامل و کنشگران مغفول در توسعه مناطق مرزی می‌تواند گامی مؤثر در راستای تعیین سمت و سوی توسعه آینده این مناطق باشد. پژوهش حاضر در حد امکان عواملی را که تاکنون بر توسعه منطقه‌ای شهرستان مرزی بانه مؤثر بوده‌اند، شناسایی کرده و به تحلیل و ارزیابی تأثیر آنها بر چگونگی تغییر سازمان فضایی منطقه پرداخته است. اما سؤالاتی که همچنان باقی می‌مانند، عبارت‌اند از اینکه «دیگر کنشگران و عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه مناطق مرزی کدامند؟»، «این عوامل چگونه بر ناپایداری معیشت روستانشینان مرزی مؤثرند؟» و سرانجام، «چه عناصری باید عهده‌دار پایش و رسیدگی به چالش‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی در مناطق مرزی کشور باشند؟».

در پایان و در راستای بهبود مسئله موجود در شهرستان مرزی بانه، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزی راهبردی توسعه منطقه‌ای در قالب یک سند فرادست با هدف ایجاد توسعه پایدار منطقه‌ای و با در نظر گرفتن عوامل مدیریتی، کنش‌های ملی و بین‌المللی و توجه به مردم محلی، همگی در یک نظام منسجم تهیه شود.

همچنین، با تأکید بر کاهش نقش تصدی‌گری دولت با واگذاری امور به مردم و رویکرد درون‌زایی از طریق ایجاد فعالیت‌های بهره‌مند از منابع بومی منطقه مرزی بانه و نیز ایجاد ارتباط بین شهرستان بانه و مناطق مرکزی کشور از طریق تقویت روابط اقتصادی و سیاسی با داخل کشور می‌توان وابستگی به اقتصاد ناپایدار مرزی را کاهش دهد و زمینه‌های توسعه از درون را برای شهرستان مرزی بانه فراهم ساخت. افزون بر این، باید به هدایت سرمایه‌های به‌دست آمده از پیامدهای اقتصاد مرزی نظیر مبادلات کالایی، حضور گردشگران و رونق بخش خدمات برای افزایش انباشت سرمایه بومی به سمت توسعه زیرساخت‌های اساسی شهرستان نظیر توسعه مسیرهای ارتباطی، ایجاد منطقه آزاد تجاری و تقویت صنایع تبدیلی به‌منظور افزایش صادرات همت گماشت و از این رهگذر، از خروج سرمایه از منطقه مرزی بانه که اکنون در حال اتفاق است، جلوگیری کرد.

یادداشت‌ها

- ۱- واقعی شدن نرخ ارز در ایران می‌تواند اثراتی جبران‌ناپذیر بر فعالیت غیررسمی مرزنشینان داشته باشد. سودی که اکنون مردم مرزنشین فعال در اقتصاد کوله‌بری مرزی به‌دست می‌آورند، در واقع، ناشی از اختلاف قیمت ارزی است که دولت به‌صورت قیمت پایه بر ارز داخلی تعیین می‌کند. اگر سیاست دولت به‌گونه‌ای پیش برود که نرخ دلار در ایران به نرخ واقعی و مبتنی بر تولیدات برسد، دیگر قاچاق کالا و فعالیت غیررسمی سودی برای مرزنشینان در پی نخواهد داشت. بنابراین، به‌دلیل امکان تغییر سیاست‌های مرکزی و نهادهای مرتبط تصمیم‌گیر محلی به عنوان کنشگر و نیز همیشگی نبودن این منبع درآمد مرزی، نمی‌توان به درآمدهای ناشی از آن به‌منابه اقتصادی پایدار نگریست.
- ۲- اقتباس و تلخیص از: احمدی، ۱۳۹۱.
- ۳- ترجمه اصطلاح کردی «گیفانو خالی‌ئه! هلسه برو بو سر مرزا!».
- ۴- مصاحبه رو در رو با مردم شهر بانه، آذر ۱۳۹۱.
- ۵- بر اساس اظهارات سرهنگ محمد قنبری، جانشین وقت فرمانده نیروی انتظامی استان کردستان، در گفت‌وگو با نگارندگان، مرداد ۱۳۹۲ و مصاحبه با شهروندان بانه‌ای، آذر ۱۳۹۱.

منابع

- احمدی، فرانک (۱۳۹۱)، *شناسایی اثرات رشد اقتصادی در شهرهای مرزی بر الگوی توسعه شهر بانه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.
- رازپور، مهدی (۱۳۹۲)، *بررسی عوامل و تحلیل پیامدهای اقتصاد غیررسمی مرزی بر تحولات فضایی شهرستان مرزی بانه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر رضا خیرالدین. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشکده معماری و شهرسازی.
- رهنما، محمدرحیم و همکاران (۱۳۸۹)، «نقش شهرهای مرزی در فرایند جهانی شدن و توسعه منطقه‌ای ایران، مطالعه موردی شهرهای مرزی استان خراسان رضوی». *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ۶، شماره ۳، صص ۱۵۲-۱۸۵.
- زرقانی، سیدهادی؛ مهدی‌زاد، صباح؛ و اعظمی، هادی (۱۳۹۱)، «تحلیل بازتاب‌های سیاسی-فضایی بازارچه‌های مرزی؛ نمونه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان». *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، سال ۱۶، شماره ۱.
- فال سلیمان، محمود و حجی‌پور، محمد (۱۳۹۱)، «تحلیل چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرستان‌های مرزی در راستای چشم‌انداز ۱۴۰۴ با تأکید بر امنیت: مطالعه موردی شهرستان نهبندان در استان خراسان جنوبی». *همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها*، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- عاشری، امامعلی؛ نورمحمدی، سمیه؛ قادری، رضا؛ و رستمی، علیرضا (۱۳۹۱)، «ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی و امنیتی احداث بازارچه‌های مرزی و نقش آن در توسعه مناطق مرزی: نمونه موردی بازارچه‌های مرزی جوانرود». *دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دانشگاه آزاد سنندج.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، *نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- کلانتری، خلیل؛ ورمزیاری، حجت؛ و عسکری ندوشن، عباس (۱۳۹۲)، «چشم‌انداز آینده جمعیت روستایی و چالش‌های مدیریت توسعه پایدار روستایی در ایران». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۱-۲۳.
- کهنه‌پوشی، سیدهادی و جلالیان، حمید (۱۳۹۲)، «تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی: مورد بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان». *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۳۲، ۶۱-۷۴.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۲)، آمار تعداد واحدهای مسکونی و تعداد شاغلان
- Buursink, Jan (2001), "The binational reality of border-crossing cities". *GeoJournal 54, Nijmegen Center for Border Research*, Department of Human Geography, University of Nijmen, pp. 7-19.
- Copus, K. Andrew (2001), "From core-periphery to polycentric development concept of spatial peripherality". *European Planning Studies*, Vol. 9, No. 4.
- Giersch, H. (1949), "Economic union between nations and the location of industries". *Review of Economic Studies*, Vol. 17, No. 2, pp. 87-97.
- Hansen, N. M. (1975), "An evaluation of growth center theory and practice". *Environment and Planning*, Vol. 7, No. 7, pp. 821-832.
- Pena, Sergio (2005), "Recent developments in urban marginality along Mexico's northern border". *Journal of Habitat International*, Vol. 29, No. 2, pp. 285-301.
- Perkamman, M. (2003), "Cross-border regions in Europe, significance and drivers of regional cross-border cooperation". *European Urban and Regional Studies*, Vol. 10, No. 2, pp. 156-167.
- Rumley, Dennis and Minghi, Julian V. (1991), *Introduction: The Border Landscape Concept*. New York: Routledge.
- Van der Veen, A. and Boot, D-L. (1995), "Cross-border cooperation and European regional policy". In: H. Eskelin and F. Snickers (Eds) *Competitive European Peripheries*, Berlin: Springer, pp. 75-94.
- Van Houtum, H. (1999), "What is the influence of borders on economic internationalization?". In: P. De Gijssel; M. Jason; H-J. Wenzel; and M. Weltering (Eds) *Understanding European Cross-Border Labor Markets*, pp. 107-141.